

ذینفع بیمه ای در بیع باطل

دکتر محمد عابدی *

۱- خلاصه ای از پرونده و رأی دادگاه:

شرکت م.ط.ک. (فروشنده) یک دستگاه تولیدکننده شانه مقوایی تخم مرغ را به آقای امیر حسین، مقیم کرمان، به موجب مبیعه نامه شماره ۱۲۲۴/ق/۸۸/مورخ ۸/۴/۱۳۸۸ فروخته است. این قرارداد به سبب نقص دستگاه و عدم قابلیت استفاده مطلوب، حسب دادنامه شماره ۱۰۱۸/۴۲۷۲۰۳۹۰/۹۹۷۳۴۲۷۲۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸ صادر شده از شعبه دوم حقوقی رفسنجان، باطل اعلام شده و قطعیت یافته است.

خریدار بعد از وقوع بیع (باطل) و قبض دستگاه تولید کننده شانه های مقوایی، مبیع را نزد شرکت بیمه، در برابر خطرات ناشی از صدمه و تلف دستگاه، تحت پوشش بیمه اموال قرار داده است. مدتی بعد و قبل از اعلام بطلان بیع در دادگاه، به دلیل ورود خسارت به دستگاه مورد بیمه، شرکت بیمه گر مطابق تعهداتی که داشته، ذمه اش به پرداخت خسارت مشغول شده است. پس از صدور حکم قطعی به بطلان بیع، شرکت م.ط.ک. (فروشنده) با تقدیم دادخواست، الزام خواندگان (شرکت بیمه گر و خریدار دستگاه) را به پرداخت وجوه بیمه ای از باب ورود خسارت به دستگاه مذکور تقاضا نموده که در شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی رفسنجان رسیدگی شده است.

این دادگاه در پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۳۴۲۷۲۰۴۵۷ و به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۳۴۲۷۲۰۳۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۴ مقرر داشته است: «در خصوص دادخواست شرکت م.ط.ک. به طرفیت امیر حسین... و شرکت سهامی بیمه پ. مبنی بر الزام خواندگان به پرداخت وجوه بیمه ای از بابت ورود خسارت به یک دستگاه تولیدکننده شانه های مقوایی متعلق به شرکت خواهان به شرح متن دادخواست، دادگاه با بررسی



اوراق و محتویات پرونده و دادنامه شماره ۹۱۰۱۰۱۸ در پرونده کلاسه ۹۱۰۲۷۳ و تأیید آن توسط شعبه دوم دادگاه تجدید نظر کرمان و استعلام از بیمه پارسیان و این که در قراردادهای بیمه، مالکیت شرط لازم جهت برخورداری ذینفع بیمه ای از مفاد بیمه نامه نیست، هر چند شرط کافی تلقی می شود و لذا از توجه به مقررات قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ خصوصاً مفاد مواد ۱ و ۵ و ۶ قانون مزبور و این که به فرض بطلان یا فسخ قرارداد فی مابین خللی به حقوق ذینفع بیمه ای وارد نمی کند؛ علیهذا بنا به مراتب فوق، دعوای مطروحه منطبق با قانون نمی باشد و مستنداً به مواد مزبور حکم به بطلان دعوی صادر و اعلام می گردد و بر فرض که دریافت وجوه بیمه ای وجهت نداشتن باشد شرکت بیمه پ. می تواند مدعی باشد.»

۲- مفهوم ذینفع بیمه ای:

برای نقد و بررسی رای بهتر است ابتدا مفهوم نفع بیمه ای مختصراً بیان شود: بیمه نمی تواند وسیله گروبنندی و شرط بندی قرار گیرد، به نحوی که افراد بدون داشتن ارتباط مستقیم با ریسک موضوع بیمه و نفع معقولی که از عدم تحقق خطر و حادثه مورد نظر متوجه آنها می شود، بر روی جان یا مال دیگران شرط بندی کنند. بیمه تنها برای تأمین خسارات وارد شده به ذینفع بیمه ای است. بدون وجود ضرر و ارتباط با حادثه زیان بار انعقاد بیمه و انتفاع از آن منتفی است. حسب ماده ۴ قانون بیمه ۱۳۱۶: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می دهد ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه گذار متضرر می گردد.»

همچنین، بیمه گذار همیشه ذینفع بیمه ای نیست و ممکن است دو شخص متفاوت عنوان بیمه گذار و ذینفع بیمه ای را داشته باشند. ماده ۵ قانون بیمه این تفاوت را به خوبی نشان داده است: «بیمه گذار ممکن است اصیل باشد یا به یکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذینفع را داشته یا مسئولیت حفظ آن را از طرف صاحب مال داشته باشد.» البته، به موجب اصل مذکور در ماده ۶ قانون بیمه «هر کس بیمه می دهد متعلق به خود او است مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است...» پس اصولاً بیمه گذار ذینفع بیمه است مگر خلاف آن تصریح شود.

در بیمه حوادث، چنانچه بیمه گذار و بیمه شده یک نفر نباشد، بیمه شده شخص ثالثی است که توسط بیمه گذار به بیمه گر معرفی شده و خطر موضوع بیمه متوجه اوست. یعنی بیمه گذار حق بیمه را می پردازد اما خطرات شخص ثالث را تهدید می کند که در صورت وقوع خطر و نقص عضو و از کارافتادگی، بیمه شده (شخص ثالث) ذینفع خواهد بود و اگر منجر به فوت شود، سرمایه بیمه به ورثه بیمه شده و یا هر شخصی که از طرف بیمه گذار تعیین گردد و در بیمه نامه قید شده باشد، پرداخت خواهد شد.

به عنوان مثال، در بیمه حوادث راننده موضوع ماده ۳ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، ممکن است بیمه گذار و ذینفع بیمه ای دو شخص متفاوت باشند. مالک خودرو بیمه گذار و راننده حادثه دیده ذینفع بیمه ای باشد و در صورت وقوع حادثه رانندگی و ورود ضرر به راننده مسبب، بیمه گر تکلیف دارد خسارات بدنی راننده زیان دیده را جبران کند. یا در فرضی که متصدی انبار عمومی اموال تحت حفاظت خود را در نزد بیمه گر تحت پوشش بیمه آتش سوزی قرار می دهد. در این جا متصدی انبار عمومی بیمه گذار است و مالک اموال ذینفع بیمه است. پس، در تعریف ذینفع بیمه ای می توان گفت شخص یا اشخاصی است که به عنوان ذینفع سرمایه بیمه یا مستمری یا غرامت بیمه، توسط بیمه گذار در زمان حیات او تعیین می شوند و بیمه گر متعهد به اجرای این ترتیب می باشد.

۳- نقد رأی دادگاه:

رأی دادگاه به دلایل ذیل مورد تأیید نیست:

نخست، دادگاه در رأی خود در قراردادهای بیمه مالکیت را شرط لازم برخوردار می داند. بیمه ای از مفاد بیمه نامه ندانسته، ولی شرط کافی تلقی کرده است. این مفهوم مبهم و اعجاب برانگیز است؛ زیرا وقتی مالکیت شرط لازم نباشد چگونه می تواند شرط کافی تلقی شود؟ در هر حال شاید مقصود دادگاه آن بوده که مالکیت شرط کافی نیست، هرچند لازم هست. در این صورت هم شرکت م.ط.ک. (خواهان) مالک دستگاه مورد بیمه در حین انعقاد عقد بیمه و هنگام ورود خسارت بوده و خواننده دعوا (خریدار) صرفاً بیمه گذار بوده است. علاوه بر آن، دادگاه با قید «ذینفع بیمه ای» در استدلال مذکور، تفاوتی بین بیمه گذار و ذینفع بیمه ای قائل نشده است، در حالی که به وضوح از مقررات بیمه دریافت می شود که بیمه گذار الزاماً ذینفع



بیمه ای نیست.

دوم، دادگاه محترم استدلال کرده که به فرض بطلان یا فسخ قرارداد فی مابین، خللی به حقوق ذینفع بیمه ای وارد نمی شود و از این استدلال چنین نتیجه گرفته که بیمه گذار (خواننده) استحقاق دریافت وجوه بیمه ای را داشته است. این سخ باز هم ناشی از اختلاط دو مفهوم بیمه گذار و ذینفع بیمه ای است. با اعلام بطلان عقد بیع از سوی دادگاه، کاشف به عمل می آید که ذینفع بیمه ای شخصی غیر از بیمه گذار است.

به عبارت روشن تر، چون مطابق ماده ۱ قانون بیمه، کسی می تواند ذینفع بیمه ای واقع شود که خسارت به او وارد شده باشد. در پرونده حاضر، مالک دستگاه مورد بیمه خسارت دیده است و او همان شرکت خواهان می باشد و نه بیمه گذاری که هیچ خسارتی متوجه وی نشده است و بیمه گذار (خریدار) صرفاً می تواند وجوهی را که برای بیمه نمودن دستگاه به شرکت بیمه پرداخته از شرکت خواهان (ذینفع بیمه ای) مطالبه نماید.

سوم، استدلال دادگاه محترم در عبارت «بر فرض که دریافت وجوه بیمه ای وجاهت نداشته باشد، شرکت بیمه می تواند مدعی باشد.» نیز موجه نیست، زیرا مطابق ماده ۲۴۷ قانون مدنی معامله نسبت به مال غیر نافذ نیست و مطابق ماده ۱۹۷ همان قانون در صورتی که موضوع معامله عین متعلق به غیر باشد، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود. بنابراین در پرونده حاضر، دستگاه مورد بیمه، در زمان انعقاد قرارداد بیمه در مالکیت شرکت خواهان بوده و عقد بیمه نسبت به عین متعلق به او انعقاد یافته است. هر چند این معامله به جهت فقدان رضای شرکت خواهان غیر نافذ بوده است که در نهایت با اجازه صریح یا ضمنی مالک به نحو کاشفیت (ماده ۲۵۸ قانون مدنی) تنفیذ و صحیح می شود. شرکت خواهان با تقدیم دادخواست و مطالبه وجوه ناشی از عقد بیمه، به طور ضمنی عقد بیمه را تنفیذ نموده است.

چهارم، استناد دادگاه به مواد ۱، ۵ و ۶ قانون بیمه مبنی بر عدم خلل در حقوق ذینفع بیمه ای مؤید نتیجه نهایی دادگاه نیست. ماده ۱ قانون بیمه ورود خسارت بر شخص بیمه گذار را شرط ذینفع شناخته شدن دانسته، درحالی که نمی توان چنین برداشت نمود که بیمه گذار الزاماً ذینفع بیمه ای نیز هست؛ زیرا ماده ۵ همین قانون اجازه داده که شخصی مال دیگری را بیمه کند که در این صورت مالک ذینفع بیمه ای است نه بیمه گذار.

شاید دادگاه محترم از عبارت «وجه معینی» که در ماده یک قانون بیمه آمده است^۱ چنین برداشت نموده که ورود خسارت به بیمه گذار شرط ذینفع شناخته شدن وی نیست و صرف بیمه نمودن مال از سوی او باعث می شود که در هنگام ورود خسارت، بیمه گر وجوهی را به او بپردازد. چنین برداشتی با فلسفه بیمه که همانا جبران خسارت زیان دیده است در تضاد است. به هیچ وجه امکان ندارد به کسی خسارتی وارد شده باشد و بیمه متعهد به پرداخت خسارت به او باشد.

پنجم، در ماده ۵ قانون مذکور، نه تنها چیزی که استدلال های دادگاه محترم را تأیید می کند وجود ندارد، بلکه تمام این ماده مؤید ادعای شرکت خواهان می باشد زیرا به صراحت امکان بیمه نمودن مال شخصی توسط دیگری را به رسمیت شناخته است. در این پرونده، به دلیل بطلان عقد بیع، بر مبنای قاعده فقهی علی الید، خریدار ید ضمانی داشته و در قبال تلف، نقص و عیب مبیع ضامن بوده و چون مسئولیت حفظ مال را از جانب شرکت خواهان داشته، می توانسته آن را بیمه نماید و این امکان در قسمت اخیر ماده ۵ به صراحت آمده است.

ششم، استحقاق شرکت خواهان (فروشنده در بیع باطل) مبنی بر دریافت وجوه بیمه ای ناشی از ورود خسارت به دستگاه مورد بیمه، از جهات دیگر قابل تحلیل می باشد: مطابق قواعد فقهی مسلم و نص صریح ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد یا باطل اثری در تملک ندارد و لذا خواننده هیچگاه مالک دستگاه مورد بیمه نبوده و شرط لازم برای ذینفع بیمه ای بودن را نداشته و در هنگام انعقاد قرارداد بیمه و ورود خسارت دستگاه مورد بیمه در مالکیت شرکت خواهان بوده است. پس ذینفع بیمه ای هم شرکت خواهان بوده است و او استحقاق دریافت وجوه بیمه ای ناشی از ورود خسارت به دستگاه خود را داشته است.

همچنین، از دیدگاه حقوق بیمه و تحلیل موضوع در چهارچوب قواعد و احکام بیمه نیز این استحقاق موجه می باشد؛ زیرا همیشه بیمه گذار ذینفع بیمه ای نبوده، مانند بیمه شخص ثالث خودرو که مالک یا راننده، بیمه گذار و زیان دیدگان ثالث، ذینفع بیمه ای هستند یا بیمه عمر که بیمه گذار یک شخص و ذینفع بیمه ای ثالث

۱. ماده ۱ - بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.

۲. ماده ۵ - بیمه گذار ممکن است اصیل باشد یا به یکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذینفع را داشته یا مسئولیت حفظ آن را از طرف صاحب مال داشته باشد.



است. از دکترین حقوقی استنباط می شود چنین فرض می شود که بیمه گذار، ذینفع بیمه ای نیز می باشد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود و با اعلام بطلان بیع صورت گرفته به موجب حکم دادگاه، خلاف آن ثابت شده است. از ماده ۶ قانون بیمه نیز می توان دریافت که اصل بر این است که بیمه گذار ذینفع بیمه است مگر این که خلاف آن ثابت شود و با اعلام بطلان عقد بیع فیما بین شرکت خواهان و خوانده خلاف آن ثابت شده و مستفاد از ماده ۱۳ قانون بیمه^۳، عقد بیمه صحیح و به قوت خود باقی بوده است.

۳. ماده ۱۳: «اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی شود...»